گفت‌وگو
زهرا چیذری

چالش‌های حجاب‌استایل‌ها برای حجاب در گفت‌وگوی «جوان» با فعال حوزه زنان و رسانه

حجاب «حجاب‌استایل‌ها» عفاف ندارد

حجاب موضوعی است که در کنار عفاف معنا پیدا می‌کند، در غیر این صورت حجاب پوسته‌ای بیش نیست و نمی‌تواند آثار، برکات و فلسفه حقیقی خود را پیدا کند و اثر رشددهندگی در شخصیت افراد بر جای بگذارد. به بیان دیگر حجاب و عفاف به موازات یکدیگر مطرح می‌شوند و به هم ارزش می‌دهند و در نهایت باعث رشد و تعالی زن مسلمان می‌شوند، این درست همان نکته‌ای است که در موضوع حجاب‌استایل‌ها با آن مواجهیم و می‌تواند به عنوان یک هشدار یا زنگ خطر مطرح شود. به بیان دیگر حجاب‌استایل‌ها از آنجا که دست‌کم با اهداف اقتصادی وارد عرصه حجاب شده‌اند، تأکیدشان روی پوشش است و در این زمینه پوشش‌های متنوع و جذابی ارائه می‌کنند که حتی می‌تواند در میان اقشار غیرمذهبی جامعه هم جذابیت داشته باشد و آنها را به سمت این نوع از حجاب جلب کند. چالش اصلی از آنجا آغاز می‌شود که این حجاب روح ندارد و با عفاف همراه نیست، به همین خاطر هم اگر چه در ظاهر ممکن است پوشش کافی و شرعی را داشته باشد اما به واسطه زرق‌وبرق و نوع خاص جلوه‌گری‌اش با فلسفه حجاب فاصله‌ای عمیق و معنادار دارد. سراغ زینب اصغریان، فعال رسانه‌ای و حوزه زنان رفتیم و از این زاویه مسئله حجاب‌استایل‌ها را مورد واکاوی قرار دادیم.

برخی بلاگرهای حجاب و رفتارهای‌شان در حوزه فرهنگ حجاب و عفاف چالش‌برانگیز شده است. این در حالی است که بلاگرها در حوزه‌های مختلفی فعالیت دارند. از نگاه شما چرا این افراد موضوع حجاب را برای بلاگری انتخاب کرده‌اند؟

بحث بلاگرها به نوعی ذیل بحث سلبریتی‌ها قرار می‌گیرد. بسیاری از این بلاگرها می‌خواهند خودشان را به سلبریتی تبدیل کنند. این افراد از تبلیغ ساق دست و ملزومات حجاب و چادر کارشان را آغاز می‌کنند اما آرام‌آرام خودشان را در معرض نمایش قرار می‌دهند و از این طریق فالوور جمع می‌کنند. اگر در این رابطه بررسی کنیم که این پدیده سلبریتیسم و بلاگری از کجا منشأ می‌گیرد، می‌بینیم سلبریتی در جهان غرب بعد از یکسری تحولات که پس از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد، رونق گرفت. وقتی هالیوود با گسترش موج سرمایه‌داری توسعه پیدا و صنعت خود را در کشورهای مختلف منتشر کرد، شاهد آن بودیم که افراد شاخصی مطرح شدند و ضریب گرفتند تا به عنوان الگو در جامعه معرفی شوند. از دهه ۱۹۹۰ به بعد صنعت سینما در ایران هم رشد خوبی داشت و ما دیدیم برخی افراد تلاش کردند به عنوان سلبریتی دیده شوند. بر این اساس عده‌ای هم آرام‌آرام بازار حجاب را توسعه و گسترش دادند و گفتند می‌خواهیم تلاش کنیم فقط حجاب را تبلیغ کنیم و چرا بی‌حجابی باید وجود داشته باشد. این افراد از موضوع حجاب سوءاستفاده کردند چراکه این موضوع در کشور ما ریشه‌های ملی و مذهبی دارد و قرن‌هاست مردم ما حجاب دارند و حتی قبل از اسلام حجاب و پوشش داشتند، بنابراین اینها از این فقره ملی استفاده کردند تا مدعی شوند می‌خواهند مبانی و مفهوم حجاب را گسترش و حجاب را زیبا نشان دهند چراکه برخی معتقدند حجاب زیبا نیست. با گسترش فضای مجازی این بلاگرها تلاش کردند خودشان را به سلبریتی تبدیل کنند چراکه کارشان رونق گرفته بود و این موضوع باعث شد بلاگرهای حجاب به عنوان سلبریتی در جامعه تبدیل به الگو شوند. در واقع آنها متوجه شدند به راحتی از طریق فضای مجازی می‌توانند در جامعه الگو شوند، به همین خاطر از ابزار حجاب سوءاستفاده کردند تا خودشان را مطرح و از این طریق درآمد کسب کنند و برای خودشان جایگاه اجتماعی بتراشند.

در بحث حجاب‌استایل‌ها یکی از موضوعاتی که مطرح می‌شود این است که خب اینها به دنبال ترویج حجاب هستند و فعالیت‌شان چه اشکالی دارد. پاسخ به این انتقاد چیست؟

نکته اصلی این است که مبنای بلاگری و حجاب‌استایلی درچشم‌بودن است. تمام این افراد تلاش می‌کنند خودشان را به رخ بقیه بکشند، اما مفهوم حجاب درچشم‌نبودن است، بنابراین این مسئله با بلاگر حجاب فی‌نفسه در تناقض است. این افراد تلاش می‌کنند دیده شوند، اما مفهوم حجاب جلب توجه نکردن است، بنابراین ما با یک پارادوکس مواجهیم؛ فردی که حجاب دارد و می‌خواهد دیده شود! هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. درست است که باید حجاب داشته باشیم اما حجاب و عفاف باید در کنار همدیگر باشند و جلوه‌گری و افسونگری که در برخی از بلاگرهای حجاب می‌بینیم، نشان می‌دهد این گروه بیشتر به دنبال دیده‌شدن هستند. بسیاری از بلاگرها برای جلب توجه به انواع و اقسام آرایش‌ها و رفتارهای اینچنینی متوسل می‌شوند تا جذاب‌تر شوند. در حالی که فلسفه حجاب این است که خودت را بپوشانی تا کمتر دیده شوی اما بلاگرهای حجاب به دنبال بیشتردیده‌شدن هستند و این تناقضی آشکار است.

آیا نمی‌توانیم بگوییم حجاب‌استایل‌ها می‌توانند افراد بدحجاب و بی‌حجاب را به حجاب علاقه‌مند کنند؟

چرا حجاب‌استایل‌ها تا حدی می‌توانند افراد بی‌حجاب و بدحجاب را به حجاب علاقه‌مند کنند، اما اینجا با یک خلط مبحث مواجهیم. برخی فکر می‌کنند برای محجبه‌شدن باید به سمت شیک‌پوشی و زیباترشدن رفت و باید توجه جنس مخالف را بیشتر به خود جلب کرد. اگر بنا باشد آن‌گونه حجاب‌استایل‌ها و بلاگرهای حجاب روسری یا چادر سر کنند که بیشتر جلب توجه کنند، ما از فلسفه حجاب غفلت کرده‌ایم. ما شاهد آن هستیم که بلاگرهای حجاب با انواع و اقسام آرایش‌ها صورت خود را جذاب‌تر می‌کنند و ژست‌هایی می‌گیرند که بیشتر جلب توجه کنند و این ظاهر جذاب را در معرض دید هر غریبه‌ای قرار می‌دهند. پس این نشان می‌دهد فلسفه حجاب برای‌شان به درستی جا نیفتاده است. اینکه ما بخواهیم روسری یا چادر را به گونه‌ای استفاده کنیم که زیباتر شویم با فلسفه حجاب و عفاف فاصله دارد. قرار نیست ما با نوع پوشش، بیشتر زیبایی‌های‌مان را به تصویر بکشیم. همچنان که برخی از این حجاب‌استایل‌ها در صفحه‌های‌شان با یک کلاه ظاهر می‌شوند تا نوع خاصی از سر کردن روسری و شال را آموزش دهند! انگار حجاب‌استایل‌های اینستاگرامی فراموش می‌کنند عفت در کنار حجاب مسئله بسیار مهمی است و بدون عفت، حجاب یک قالب و یک صورت است.

چرا می‌گوییم تمرکز حجاب‌استایل‌ها روی استحاله حجاب و قشر مذهبی جامعه است؟

> نمی‌توانیم بگوییم همه بلاگرها در خطر انحطاط و انحراف قرار دارند. برخی‌فقط کالاهای‌شان را تبلیغ می‌کنند، بدون اینکه جلوه‌گری و افسونگری اتفاق بیفتد، یعنی اگر چهره، آهنگ و آن محصول در کنار انسان نباشد و فقط خود محصول اولویت داده شود، اثرات و عوارض به مراتب کمتری برای جامعه به دنبال خواهد داشت

قشر مذهبی وقتی وارد اینستا یا کانال‌های تلگرامی می‌شوند، حجاب برای‌شان مهم است و آن را دنبال می‌کنند. در حالی که قشر غیرمذهبی معمولاً به دنبال چنین موضوعاتی نیستند. ممکن است برخی از اقشار غیرمذهبی هم جلب حجاب‌استایل‌ها شوند و از نوع پوشش جذاب آنها تقلید کنند اما آن جلوه‌گری حتی در افراد جذب‌شده هم وجود دارد و متأثر از الگوسازی‌ای است که از سوی بلاگرهای حجاب اتفاق می‌افتد. برخی کاربران حجاب‌استایل‌ها اذعان می‌کنند که به دلیل زیباپوششی و خوش‌تیپ بودن، ما را به حجاب جلب کرده‌اید، پس این نشان می‌دهد اگر افراد کم‌حجابی به خاطر حجاب‌استایل‌ها جذب حجاب شده باشند به دنبال فلسفه اصلی حجاب نیستند، بنابراین ممکن است به راحتی این حجاب را از سر بردارند، پس نکته اصلی این است که معمولاً افرادی که حجاب برای‌شان اهمیت دارد سراغ این پیج‌ها می‌روند، به همین خاطر بیشتر کسانی که از حجاب‌استایل‌ها متأثر می‌شوند و پوشش‌شان تغییر می‌کند، همین قشر محجبه هستند.

در حال حاضر ارزیابی شما از میزان موفقیت این گروه در تغییر ماهیت حجاب چیست؟

به شخصه معتقدم این گروه تا حدودی توانسته‌اند به اهداف خودشان دست پیدا کنند. ما بحث حجاب را در اربعین در کانال‌های حجاب‌استایل‌ها دیدیم و بررسی کردیم که چطور آمدند عبا را جایگزین چادر کردند و عملاً چادر را به عنوان ابزاری برای دست‌وپاگیرشدن نمایش دادند. مثلاً برخی از پیج‌ها را که بررسی می‌کردیم، می‌دیدیم پرچم یاحسین پشت سر خودشان قرار داده بودند و در برابر آن انواع و اقسام رفتارهایی جلب‌توجه‌کننده را انجام می‌دادند تا عبای‌شان را تبلیغ کنند و موزیک تندی هم زمینه این تصاویر بود! بنابراین این افراد تا حدودی توانسته‌اند موفق باشند و چادرهای تجملاتی پر از نگین و سنگدوزی را در جامعه ترویج کنند. آنها با ترویج عباها با مدل‌های مختلف روسری‌هایی با مدل‌های مختلف می‌بستند و تا حدودی در نفوذ به قشرهای مذهبی موفق بودند.

آیا حجاب‌استایل‌ها از سوی جریانات خاصی جهت‌دهی می‌شوند یا صرفاً مسائل اقتصادی هدف آنهاست؟

بلاگرها تلاش می‌کنند ذائقه مخاطب را تغییر دهند تا سبک جدیدی از زندگی را به مخاطب عرضه کنند و جذابیت‌های زیاد خودشان را به آنها نمایش دهند. دقیقه‌به‌دقیقه و ساعت‌به‌ساعت فیلم‌هایی را از خودشان به نمایش می‌گذارند تا همذات‌پنداری با مخاطب شکل بگیرد و خودشان را در جایگاه الگوی پوشش در جامعه مطرح کنند. اینها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در سبک زندگی افراد اثر دارد و باعث تغییر ذائقه بسیاری از افراد می‌شود. برخی از این افراد عشق شهرت دارند و به دنبال جمع کردن طرفدار هستند و حتی برخی از اینها برای خودشان گروه‌هایی را تشکیل می‌دهند تا باهم همفکری کنند و بدانند چگونه بیشتر جلوه‌گری کنند و فالوور و لایک بگیرند، البته برخی از افرادی که در این فضا وارد می‌شوند، ابتدای امر افرادی سالم و صالح هستند اما این مسیر آنچنان پرپیچ‌وخم است و طمع افراد را برای بازدید و لایک گرفتن بیشتر ترغیب می‌کند که تا سطح کشف‌حجاب هم پیش رفته‌اند و این مسئله غیرمتداولی در بحث بلاگرها نیست. وقتی از آنها سؤال می‌کنیم چرا کشف‌حجاب کردید؟ می‌گویند هدف ما کشف‌حجاب نبوده و آرام‌آرام به این سمت آمده‌ایم. وقتی قبح این ماجرا برای‌شان شکسته می‌شود، می‌بینیم این افراد باحجاب یا بی‌حجاب هدف‌شان تنوع‌طلبی مخاطب است و تلاش می‌کنند خودشان را به عنوان الگو جا بزنند. برخی از این حجاب‌استایل‌ها در برنامه‌های سیاسی اغتشاشات یا برنامه‌های مختلف علیه نظام موضع می‌گیرند و خودشان در جایگاهی قرار می‌گیرند که مخالف نظام هستند و از این طریق می‌خواهند فالوور بیشتری جذب کنند. این موارد نشان می‌دهد به نظر می‌رسد جریانات خاصی هستند که اینها را ساپورت و حمایت می‌کنند و هدف‌شان هم تغییر سبک زندگی و الگوی رفتار زن مسلمان انقلابی است.

آیا همه فعالان حوزه حجاب و حجاب‌استایل‌ها در همین مسیر هستند؟ اگر نه چگونه می‌توانیم این مسئله را تشخیص دهیم؟

البته همه بلاگرها در این مسیر نیستند اما همه بلاگرها تبلیغ مصرف‌گرایی می‌کنند، یعنی یک خانم محجبه‌ای که تاکنون احساس نیاز به مدل‌های متنوع چادر، روسری و پوشش را نداشته با تبلیغات این گروه‌ها در وی نیاز کاذب ایجاد می‌شود، پس این بلاگرها همگی تبلیغ مصرف‌گرایی دارند اما نمی‌توانیم بگوییم به صورت کلی همه بلاگرها در خطر انحطاط و انحراف قرار دارند. نمی‌توانیم بگوییم همه بلاگرها در خطر انحطاط و انحراف قرار دارند. برخی‌فقط کالاهای‌شان را تبلیغ می‌کنند، بدون اینکه جلوه‌گری و افسونگری اتفاق بیفتد، یعنی اگر چهره، آهنگ و آن محصول در کنار انسان نباشد و فقط خود محصول اولویت داده شود، اثرات و عوارض به مراتب کمتری برای جامعه به دنبال خواهد داشت. اینها صرفاً افرادی هستند که می‌خواهند کار اقتصادی کنند. به شرطی که این افراد در ورطه حجاب‌استایل‌ها نیفتند مسئله‌ای پیش نمی‌آید، اما متأسفانه بخشی در دام چنین فضاهایی می‌افتند و تعداد زیادی از این افراد حتی از ایران خارج می‌شوند و کشف‌حجاب می‌کنند. یک مسئله خیلی بغرنج و نگران‌کننده این است که مثلاً می‌بینیم یک خانم محجبه و باحجاب سوار یک ماشین آخرین مدل می‌شود و می‌گوید من این ماشین را در مدت کوتاهی خریدم و این پست‌ها میلیون‌ها لایک می‌خورد و بازدید می‌گیرد و باعث ترویج اشرافی‌گری و بلاگری حجاب در جامعه می‌شود. با دیدن این تصاویر و تبلیغات افراد تصور می‌کنند در مدت کوتاهی با نمایش خودشان می‌توانند به درآمدهای کلانی دست یابند و این خطری است که جامعه را تهدید می‌کند.

نگاه

رسوم جاهلیت که در اسلام منسوخ شد

قرآن کریم رسوم جاهلیت را درباره مهر منسوخ کرد و آن را به حالت اولی و طبیعی آن برگردانید. در جاهلیت، پدران و مادران مهر را به عنوان حق‌الزحمه و «شیربها» را حق خود می‌دانستند.

در تفسیر کشاف و غیره می‌نویسند، هنگامی که دختری در خانواده آنها متولد می‌شد و دیگری می‌خواست به او تبریک بگوید، می‌گفت: «هَنیئاً لَکَ النّافِجَةُ» یعنی این مایه افزایش ثروت، تو را گوارا باد، کنایه از اینکه بعداً این دختر را شوهر می‌دهی و مهر دریافت می‌داری.

در جاهلیت، پدران و در نبودن آنها برادران، چون از طرفی برای خود حق ولایت و قیمومت قائل بودند و دختر را به اراده خودشان شوهر می‌دادند، نه به اراده خود او و از طرف دیگر مهر دختر را متعلق به خود می‌دانستند نه به دختر، دختران را معاوضه می‌کردند، به این نحو که مردی به مرد دیگر می‌گفت که من دختر یا خواهرم را به عقد تو درمی‌آورم که در عوض دختر یا خواهر تو زن من باشد و او هم قبول می‌کرد. به این ترتیب هر یک از دو دختر مهر دیگری به شمار می‌رفت و به پدر یا برادر دیگری تعلق می‌گرفت. این نوع نکاح را نکاح «شِغار» می‌نامیدند. اسلام این رسم را منسوخ کرد.

پیغمبر اکرم فرمود: «لا شِغارَ فِی الاسْلام» یعنی در اسلام معاوضه دختر یا خواهر ممنوع است.

در روایات اسلامی آمده است که پدر نه تنها حقی به مهر ندارد، بلکه اگر در عقد ازدواج برای پدر به عنوان امری جداگانه از مهر چیزی شرط شود و مهر به خود دختر داده شود، باز هم صحیح نیست، یعنی پدر حق ندارد برای خود در ازدواج دختر بهره‌ای قائل شود، هرچند به صورت امر جداگانه از مهر باشد.

اسلام آیین کار کردن داماد برای پدرزن را- که طبق گفته جامعه‌شناسان در دوره‌هایی وجود داشته که هنوز ثروت قابل مبادله‌ای در کار نبوده- منسوخ کرد.

کار کردن داماد برای پدرزن تنها از این جهت نبوده است که پدران می‌خواسته‌اند از ناحیه دختران خود بهره‌ای برده باشند، علل و ریشه‌های دیگر نیز داشته است که احیاناً لازمه آن مرحله از تمدن بوده و در حد خود ظالمانه هم نبوده است. به هر حال چنین رسمی قطعاً در دنیای قدیم وجود داشته است.

داستان موسی و شعیب که در قرآن کریم آمده است، از وجود چنین رسمی حکایت می‌کند. موسی در حال فرار از مصر وقتی که به سر چاه «مدین» رسید، به حالت دختران شعیب که در کناری با گوسفندان خویش ایستاده بودند و کسی رعایت حال آنها را نمی‌کرد، رحمت آورد و برای گوسفندان آنها آب‌کشی کرد. دختران پس از مراجعت نزد پدر، جریان روز را برای پدر نقل کردند و او یکی از آنها را پی موسی فرستاد و او را به خانه خویش دعوت کرد.

پس از آشنا شدن با یکدیگر، یک روز شعیب به موسی گفت: من دلم می‌خواهد یکی از دو دختر خود را به تو به زنی بهم، به این شرط که تو هشت سال برای من کار کنی و اگر دل خودت خواست دو سال دیگر هم اضافه کن، ۱۰ سال برای من کار کن. موسی قبول کرد و به این ترتیب موسی داماد شعیب شد.

اینچنین رسمی در آن زمان بوده و ریشه این رسم دو چیز است:

اول نبودن ثروت. خدمتی که داماد به زن یا پدرزن می‌توانسته بکند، غالباً منحصر به این بوده که برای آنها کار کند و دوم رسم جهاز دادن. جامعه‌شناسان معتقدند رسم جهاز دادن به دختر از طرف پدر، یکی از رسوم و سنن کهن است. پدر برای اینکه بتواند جهاز برای دختر خود فراهم کند داماد را اجیر خود می‌کرد یا از او پولی دریافت می‌کرد. عملاً آنچه پدر از داماد می‌گرفت به نفع دختر و برای دختر بوده است.

به هر حال در اسلام این آیین منسوخ شد و پدرزن حق ندارد مهر را مال خود بداند، هرچند هدف و منظورش این باشد که آن را صرف و خرج دختر کند. این خود دختر است که اختیار آن مال را دارد که به هر نحو بخواهد مصرف کند. در روایات اسلامی تصریح شده که این گونه مهر قرار دادن در دوره اسلامیه روا نیست.

در زمان جاهلیت رسوم دیگری نیز بود که عملاً موجب محروم‌بودن زن از مهر می‌شد. یکی از آنها رسم ارث زوجیت بود. اگر کسی می‌مرد، وارثان او از قبیل فرزندان و برادران همان طوری که ثروت او را به ارث می‌بردند، همسری زن او را نیز به ارث می‌بردند. پس از مردن شخص، پسر یا برادر میت حق همسری میت را باقی می‌پنداشت و خود را مختار می‌دانست که زن او را به دیگری تزویج کند و مهر را خودش بگیرد یا او را بدون مهر جدیدی و به موجب همان مهری که میت قبلاً پرداخته است، زن خود قرار دهد.

قرآن کریم رسم ارث زوجیت را منسوخ کرد، فرمود: «یا ایهَا الَّذینَ امَنوا لا یحِلُّ لَکمْ انْ تَرِثُوا النِّساءَ کرْهاً» [۱] ای مردمی که به پیغمبر و قرآن ایمان دارید، باید بدانید که برای شما روا نیست که زنان مورثان خود را به ارث ببرید، در حالی که خود آن زنان میل ندارند همسر شما باشند.

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر به طور کلی ازدواج با زن پدر را قدغن کرد، هر چند به صورت ارث نباشد و بخواهند آزادانه باهم ازدواج کنند. خداوند فرمود: «وَلا تَنْکحوا ما نَکحَاباؤُکمْ» [۱] با زنان پدران خود ازدواج نکنید.

قرآن کریم هر رسمی که موجب تضییع مهر زنان می‌شد منسوخ کرد، از جمله اینکه وقتی که مردی نسبت به زنش دلسرد و بی‌میل می‌شد، او را در مضیقه و شکنجه قرار می‌داد، هدفش این بود که با تحت شکنجه قرار دادن او، او را به طلاق راضی کند و تمام یا قسمتی از آنچه به عنوان مهر به او داده از او پس بگیرد. خداوند در قرآن کریم فرمود: «وَ لا تَعْضُلوهُنَّ لِتَذْهَبوا بِبَعْضِ ما اتَیتُموهُنَ» [۲] یعنی زنان را به خاطر اینکه چیزی از آنها بگیرید و قسمتی از مهری که به آنها داده‌اید، جبران کنید، تحت مضیقه و شکنجه قرار ندهید.

یکی دیگر از آن رسوم این بود که مردی با زنی ازدواج می‌کرد و برای او احیاناً مهر سنگینی قرار می‌داد، اما همین که از او سیر می‌شد و هوای تجدید عروسی به سرش می‌زد، زن بیچاره را متهم می‌کرد به فحشا و حیثیت او را لکه‌دار می‌کرد و چنین وانمود می‌کرد که این زن از اول شایستگی همسری مرا نداشته و ازدواج باید فسخ شود و من مهری که داده‌ام باید پس بگیرم. قرآن کریم این رسم را نیز منسوخ کرد و جلوی آن را گرفت.

ویترین

چگونه با دختر نوجوانم رفتار کنم؟

بی‌تردید نوجوانی یکی از حساس‌ترین و دشوارترین دوره‌های زندگی است که فرد را با تغییرات چشمگیری مواجه می‌کند و پایه‌های شخصیت او را بنیان می‌گذارد. در این میان برخورد اطرافیان به‌خصوص خانواده، با نوجوانان نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت و زندگی آینده آنها ایفا می‌کند، از این رو کتاب «چگونه با دختر نوجوانم رفتار کنم» اینجاست تا با ارائه راهکارهای عملی، این ضعف‌ها را جبران کند. این کتاب، تألیف مشترک سامان محمدی، سمیه محمدزاده و حمید رحمانی است.

دوران نوجوانی نه تنها خود نوجوان، بلکه اطرافیان او را هم درگیر می‌کند. نوجوانان در این سن تأثیرپذیری بسیاری از اطرافیان خود دارند. محیط مدرسه، دوستان، معلمان و بسیاری از عوامل دیگر در شکل‌گیری شخصیت آنها نقش دارند، اما همچنان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عامل، خانواده است.

کتاب چگونه با دختر نوجوانم رفتار کنم؟ حاصل همکاری سامان محمدی، سمیه محمدزاده و حمید رحمانی است. این کتاب، برای والدینی نوشته شده است که نمی‌دانند چه برخوردهایی می‌تواند در پرورش و تربیت دختران در دوران نوجوانی مفید واقع شود. نویسندگان با اشاره به نقش پررنگ خانواده، راهکارهایی برای بهبود ارتباطات میان اعضای خانه مطرح کرده‌اند که در نهایت مواجهه با چالش‌های این سن را هم برای والدین و هم برای نوجوانان، آسان‌تر می‌کنند.

نویسندگان کتاب پیش رو بر این باورند دختران نوجوان برخلاف تفکر برخی از افراد، غیرقابل کنترل نیستند، بلکه برخورد با آنها نیازمند ظرافت و آگاهی است. این کتاب در نهایت به مخاطب کمک می‌کند رابطه‌ای سازنده، سالم و مفید را با دختر نوجوان خود برقرار کند. همچنین پیاده‌سازی توصیه‌های پیش رو از سوی والدین سبب می‌شود نوجوانان بتوانند احساسات، هیجانات و انگیزه‌های غریزی خود را کنترل کنند و در مسیر درست قرار دهند.

یکی از نکته‌هایی که در کتاب پیش رو بارها تکرار شده، اهمیت توجه و گفت‌وگو با دختران نوجوان است. یکی از واکنش‌های ناخوشایند از سمت والدین، سرزنش فرزند بابت اشتباهاتش است. این واکنش نسبت به اشتباهات یا کم‌کاری‌های نوجوانان باعث مشکلات اضطرابی، کاهش اعتمادبه‌نفس و ناکارآمدی آنها می‌شود. والدین باید بتوانند احساس امنیت و همدلی را به فرزندان خود منتقل کنند و بستری فراهم آورند که فرزندان با خیال راحت در خصوص ناراحتی‌ها و نگرانی‌های خود با پدر و مادر خود صحبت کنند، به همین دلیل ایجاد فضای امن در محیط خانه کمک می‌کند روابط میان والدین و دختران نوجوان به شکل کارآمد و صحیحی شکل بگیرد.

کتاب چگونه با دختر نوجوانم رفتار کنم، با ارائه راهکارهایی مفید، پیوند والدین و نوجوانان را قوت می‌بخشد و به شکل‌گیری شخصیت آنها در آینده کمک می‌کند. این کتاب را انتشارات هورین منتشر کرده است.

در بخشی از کتاب چگونه با دختر نوجوانم رفتار کنم، در مورد بهترین راهکارهای تربیتی می‌خوانیم:

هر کس دختری داشته باشد که او را تباه نسازد و خوارش نکند و پسرش را بر وی برتری ندهد، خدا او را به بهشت می‌برد.

در مراحل مختلف زندگی انسان، دوره نوجوانی از حساس‌ترین و پراهمیت‌ترین دوران زندگی محسوب می‌شود. این دوره که بین سال‌های دهه دوم زندگی قرار دارد نه تنها نوجوان، بلکه والدین، مربیان، حتی خانواده و جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. زمانه خیلی تغییر کرده و این تغییرات باعث پیچیده‌تر شدن دوران نوجوانی برای دختران‌مان شدن است. طبق تحقیقاتی که ما در استان کردستان انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که مهم‌ترین عامل مؤثر در زندگی نوجوانان، پدر و مادرها هستند، البته در کنار این موارد، عوامل دیگری از جمله جامعه، مدرسه، معلمان و همسالان نیز تأثیرگذار بودند، اما همچنان والدین مهم‌ترین عامل مؤثر در زندگی نوجوانان هستند. بسیاری از خانواده‌ها برای تربیت دختران خود نگران هستند. دوره نوجوانی به دلیل فرازونشیب‌هایی که دارد، گاهی موجب بروز مشکلاتی میان خانواده‌ها و نوجوانان می‌شود.

دختران شما در دوران نوجوانی نیازمند توجه همه‌جانبه، ویژه و اصولی اعضای خانواده و به‌ویژه پدر و مادر، مربیان و معلمان خود هستند. آنها باید با ظرافت کامل و رفتاری مناسب و برنامه‌ریزی‌شده، دختران را دریابند و با استفاده از اصول و مبانی تعلیم و تربیت صحیح به او کمک کنند تا بتوانند احساسات خود را کنترل کنند و شور و نشاطش را در مسیر درست به کار اندازند و انگیزه‌های غریزی را به کنترل درآورند. همچنین به آنها کمک کنند گرایش‌های عاطفی و روانی را سامان دهند،

حس برتری‌جویی، استقلال و آزادی را با جهت‌دهی درست آرام کنند، ابهام‌های ذهن خود را بشناسند، پاسخ سؤال‌های متنوعش را بگیرند و قدرت و توان فکری خویش را برای موقعیت در زندگی به کار گیرند و آینده روشنی را پیش روی خویش ترسیم کنند.